



اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۱۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یوسف رستمی

مقدمه

بحث ما در وسائل و ابزاری بود که به وسیله آن، صدور یک دلیل از شارع مقدس اثبات می‌شد. گفته شد که این وسائل مثبت صدور، گاهی مفید اثبات وجدانی یعنی مفید قطع است که در این صورت، دیگر نیازی به تعبد از ناحیه شارع ندارد و گاهی هم مفید ظن است که برای جواز عمل به آن، به تعبد شرعی محتاجیم. به این گونه از ابزاری که مفید ظن معتبر به صدور یک دلیل از شارع مقدس است، وسائل اثبات تعبدی گفته شده است که در واقع همان امارات صدوری (اماره بر صدور) به شمار می‌آیند. در این درس، به بیان مهمترین وسیله اثبات تعبدی یعنی خبر واحد خواهیم پرداخت و بحث از آن را در سه مرحله پی خواهیم گرفت.

متن درس

وسائل الإثبات التعبدی

و أهم ما يبحث عنه في علم الاصول كوسيلة تعبدية لإحراز صدور الدليل من الشارع: خبر الواحد، و يراد به: الخبر الذي لم يحصل منه القطع بثبوت مؤداه.

و الكلام فيه في ثلاث مراحل:

إحداها: استعراض الأدلة المدعاة على حكم الشارع بحجتيته.

و ثانيتهما: استعراض الأدلة المدعى كونها معارضةً لذلك.

و المرحلة الثالثة: تحديد دائرة الحجية و شروطها بعد فرض ثبوتها.

و سنبحث هذه المراحل تباعاً.

أدلة حجية خبر الواحد:

و قد استدلل على الحجية بالكتاب و السنة.

أمّا الكتاب الكريم فبآيات:

منها: آية النبأ، و هي قوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»^١.

و تقريب الاستدلال: أنّ الجملة في الآية الكريمة شرطية، و الحكم فيها هو «الأمر بالتبين»، و موضوع الحكم «النبأ»، و شرطه «مجيء الفاسق به»، فتدل بالمفهوم على انتفاء وجوب التبين عن النبأ إذا انتفى الشرط و لم يجئ به الفاسق، و هذا يعني أنه لا يجب التبين في حالة مجيء العادل بالنبأ، و ليس ذلك إلّا لحجتيته.

و قد نوقش في الاستدلال المذكور بوجهين:

الأول: أنّ مجيء الفاسق بالنبأ شرط محقق للموضوع؛ لأنّه هو الذي يحقق النبأ، و ليس للجملة الشرطية مفهوم إذا كان الشرط مسوقاً لتحقيق الموضوع، كما تقدّم في بحث مفهوم الشرط.

و حاول صاحب الكفاية^٢ أن يدفع هذه المناقشة بدعوى: أنّها إنّما تتم على الافتراض المتقدم في تعيين الموضوع

والشرط، و أمّا إذا قيل بأنّ الموضوع هو «الجائي بالنبأ» و الشرط هو «الفسق» كانت الآية في قوّة قولنا: «إذا كان

الجائي بالنبأ فاسقاً فتبينوا». و من الواضح حينئذ أنّ الشرط هنا ليس محققاً للموضوع، فيتمّ المفهوم.

و لكنّ مجرد إمكان هذه الفرضية لا يكفي لتصحيح الاستدلال ما لم يثبت كونها هي المستظاهرة عرفاً من الآية الكريمة.

١. الحجرات: ٦.

٢. كفاية الاصول، ص ٣٤٠.

وسائل احراز تعبدی

بحث ما در وسائل و ابزاری بود که به وسیله آن، صدور یک دلیل از شارع مقدس اثبات می‌شد. گفته شد که این وسائل مثبت صدور، گاهی مفید اثبات وجدانی یعنی مفید قطع است که در این صورت، دیگر نیازی به تعبد از ناحیه شارع ندارد و گاهی هم مفید ظن است؛ ظنی که برای جواز عمل به آن، به تعبد شرعی محتاجیم. به این گونه از ابزاری که مفید ظن معتبر به صدور یک دلیل از شارع مقدس است، وسائل اثبات تعبدی که در واقع همان امارات صدوری است، گفته شده است.

ذکر این نکته ضروری است که وسائل اثبات تعبدی، هرگونه اماره‌ای را شامل نمی‌شود؛ یعنی این گونه نیست که مثلاً ظهور کلام هم یک وسیله اثبات تعبدی باشد؛ بنابراین مقصود از وسائل اثبات تعبدی، اماره صدوری مثل خبر ثقه است و شامل اماره دلالتی مثل ظهور کلام نمی‌گردد. پس اگر بخواهیم این مبحث را در کتب دیگر دنبال کنیم، باید آن را تحت عنوان امارات معتبری که بر صدور قائم می‌شوند جست‌وجو کنیم.

خبر واحد، مهمترین وسیله احراز تعبدی

مهمترین مصداق وسیله اثبات تعبدی، خبر واحد ثقه می‌باشد. خبر واحد، خبری است که پایین‌تر از خبر متواتر^۱ باشد. هر خبری که به حد تواتر نرسد، در دایره اخبار آحاد می‌گنجد؛ حتی اگر خبر مستفیض^۲ تلقی شود.

مراحل سه گانه بحث از خبر واحد

در بحث خبر واحد، سه مرحله را پشت سر خواهیم گذاشت:

مرحله اول: از ادله‌ای بحث خواهیم کرد که ادعا شده است بر حجیت خبر واحد دلالت می‌کنند.

مرحله دوم: از ادله‌ای که برخی ادعا کرده‌اند معارض با ادله حجیت خبر واحد است بحث می‌کنیم (بحث از معارضات ادله حجیت).

مرحله سوم: در این مرحله، بحث ما به تعیین دایره حجیت خبر واحد خواهد رسید و اینکه دایره این حجیت تا کجاست؟ آیا هر خبر واحدی را شامل می‌شود یا صرفاً اخبار ثقات را در بر می‌گیرد و یا حتی از آن هم دایره ضیق‌تری دارد و فقط اخبار عدول را شامل می‌شود؟ البته این بحث، بعد از آن است که اصل حجیت خبر واحد ثابت شود و آن ادله‌ای که به عنوان معارض ادله خبر واحد اقامه شده است، مورد علاج و بررسی قرار گیرد.

FG

مراحل بحث از خبر واحد

- مرحله اول: بحث از ادله حجیت خبر واحد
- مرحله دوم: بحث از ادله‌ای که ادعا شده معارض با ادله حجیت خبر واحد است
- مرحله سوم: تعیین دائره و محدوده حجیت خبر واحد

۱. خبر متواتر آن خبری است که بر اثر کثرت مخبرین، مفید قطع به مؤدی و مفاد خود گردد و هر خبری که این گونه نباشد، یعنی از حیث تعداد مخبرین، در آن مرتبه‌ای که مفید قطع به مفاد خبر است نباشد، خبر واحد تلقی می‌شود؛ هر چند راوی آن، دو یا چند نفر باشند.

۲. خبر مستفیض خبری است که در هر طبقه، بیش از دو راوی جای گرفته باشد. با این وجود خبر مستفیض، جزء اخبار آحاد تلقی می‌شود.

تطبيق

وسائل الإثبات التعبدی

و أهمّ ما يبحث عنه في علم الاصول كوسيلةٍ تعبديةٍ لإحراز صدور الدليل من الشارع: خبر الواحد^۱، ويراد به: الخبر الذي لم يحصل منه القطع بثبوت مؤداه.

مهمترین مصداقی که از آن در علم اصول به عنوان یک وسیله تعبدی برای احراز صدور دلیل از شارع مقدس بحث می‌شود، خبر واحد است. مراد از خبر واحد، خبری است که از آن قطع به ثبوت مؤدی و مفاد خبر حاصل نشود (چه مخبر آن واحد باشد یا نباشد)

و الكلام فيه في ثلاث مراحل:

إحداها: استعراض الأدلة المدّعة على حكم الشارع بحجّيته.

کلام در باب خبر واحد در سه مرحله خواهد آمد:

نخستین مرحله: متعرض شدن ادله‌ای که بر حکم شارع به حجیت خبر واحد ادعا شده است.

و ثانیتها: استعراض الأدلة المدّعی کونها معارضةً لذلك^۲.

مرحله دوم: متعرض شدن ادله‌ای که ادعا شده معارض با ادله پیشین یعنی ادله حجیت خبر واحد است.

و المرحلة الثالثة: تحديد دائرة الحجّية و شروطها بعد فرض ثبوتها

مرحله سوم: تعیین کردن دایره حجیت و شروط آن؛ البته بعد از فرض ثبوت این حجیت (مثلاً آیا این حجیت فقط

خبر عادل را در بر می‌گیرد یا خبر ثقه را هم شامل می‌شود و یا از آن فراتر رفته و هر گونه خبری را پوشش می‌-

دهد؟ مثل خبری که مخالف با شهرت است یا خبری که از حیث مفاد در مقابل مشهور قرار دارد)

و سنبحث هذه المراحل تباعاً.

و این مراحل سه‌گانه را به ترتیب و پشت سر هم بحث خواهیم کرد.

SCO۱ : ۱۱:۵۸

مرحلة اول: ادله حجیت خبر واحد

گفته شد که کلام در باب خبر واحد در سه مرحله خواهد آمد:

نخستین مرحله متعرض شدن ادله‌ای است که برای اثبات حکم شارع به حجیت خبر واحد ادعا شده است. این ادله

را در دو بخش کتاب و سنت خواهیم آموخت. بخشی از ادله حجیت خبر واحد در قرآن منعکس شده و بخشی

هم در روایات و سنت و سیره جای گرفته است.

دلیل اول: آیه نبأ

۱. صفت «مخبر»؛ یعنی خبرُ المخبر الواحد و در واقع خبر به المخبر اضافه شده است یعنی خبر خبردهنده یگانه.

۲. مشارالیه: ادله حجیت خبر واحد.

۳. واو تفسیریه.

ادعا شده که در قرآن مجید، آیات متعددی وجود دارد که بر حجیت خبر واحد دلالت می‌کند. مهمترین آیه‌ای که ادعا نموده‌اند دلالت بر حجیت خبر واحد می‌کند، آیه شریفه نأ است.

این آیه شریفه به علت آنکه از واژه نأ استفاده نموده، به آیه نأ مشهور شده است.

نحوه استدلال به این آیه شریفه به این نحو است که در این آیه ما شاهد یک جمله شرطیه‌ایم که از شرط «إِنْ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ» و جزاء «فَتَبَيَّنُوا» تشکیل شده است. حکم در این جمله شرطیه عبارت است از: وجوب تبیین که از تبیینوا که صیغه امر است و دلالت بر وجوب می‌کند استفاده می‌شود. موضوع این حکم، نأ یا همان خبر است؛ یعنی واجب است که از خبر و نأ تحقیق کنید. شرط وجوب تبیین هم این است که شخص فاسق خبری بیاورد؛ به تعبیر دیگر، اخبار فاسق شرط وجوب تبیین است. پس ما در این آیه، سه عنصر را شناسایی کردیم:

۱. اصل حکم که وجوب تبیین باشد.

۲. موضوع حکم که نأ باشد.

۳. شرط حکم که اخبار فاسق باشد.

جمله شرطیه -همان طور که در موضع خودش بحث کردیم- بر مفهوم دلالت دارد؛ یعنی با انتفاء شرط، حکم سنخاً و طبیعتاً منتفی است. اینجا هم از همین قبیل است. اگر شرط یعنی اخبار فاسق، منتفی شد و شخص عادل خبر آورد، در این صورت طبیعت جزاء یعنی مطلق وجوب تبیین هم منتفی است و دیگر هیچ گونه تحقیقی لازم نیست. به این معنی که خبر عادل، تعبداً حجت است و چیزی که تعبداً حجت است، دیگر نیازی به تحقیق ندارد. پس نحوه دلالت جمله شرطیه به این صورت است که هرگاه اخبار فاسق و به تعبیر قرآن مجی فاسق به نأ منتفی شد؛ یعنی عادل خبر آورد، دیگر وجوب تبیین هم مطلقاً منتفی است و دیگر لازم نیست درباره صحت این خبر تحقیق کنید؛ بلکه بدون تحقیق، این خبر را بپذیرید. این مطلب، به معنای حجیت خبر عادل است و از مفهوم آیه استفاده می‌شود.

تطبیق

أدلة حجّة خبر الواحد:

وقد استدللّ على الحجّة بالكتاب والسنة.

أدلة حجیت خبر واحد:

برای حجیت خبر واحد، هم به قرآن و هم به سنت استدلال شده است (سنت شامل اخبار و سیره عقلا و متشرعه می‌شود)

أما الكتاب الكريم فبآيات:

منها: آیه النبأ، و هی قوله تعالى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

اما در قرآن به آیاتی:

از جمله آیه نبأ استدلال شده است که خداوند در آن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد تبیین و تحقیق کنید؛ برای آنکه مبدا به قومی از روی جهالت آسیب برسانید؛ پس پشیمان شوید از آنچه که بر اثر جهالت انجام داده‌اید».

و تقریب الاستدلال: أن الجملة^۴ فی الآیه الکریمة شرطیة، و الحکم فیها^۵ هو «الأمر بالتبیین»، و موضوع الحکم «النبأ»، و شرطه «مجيء^۶ الفاسق به^۷»

تقریب استدلال این است که: جمله در آیه کریمه، جمله شرطیه است (که دلالت بر مفهوم می‌کند)، و حکم در این جمله شرطیه، وجوب تحقیق و تبیین است و موضوع حکم، خبر و شرط این حکم، آوردن خبر توسط فاسق می‌باشد.

فتدلّ بالمفهوم على انتفاء وجوب التبیین عن^۸ النبأ إذا انتفى الشرط و لم یجئ به الفاسق،

پس جمله شرطیه، به مفهوم خود، دلالت بر انتفا (مطلق و طبیعت) وجوب تبیین از خبر می‌کند؛ زمانی که شرط منتفی شود و فاسق این خبر را نیاورده باشد.

و هذا یعنی أنه لا یجب التبیین فی حالة مجيء العادل بالنبأ، و لیس ذلك^۹ إلّا لحجّيته.

و اینکه وجوب تبیین وقتی که فاسق خبر نیاورده باشد منتفی است، به این معناست که تبیین در حالت خبر آوردن عادل واجب نیست و این عدم وجوب تبیین در قبال خبر عادل نیست مگر به خاطر حجیت خبر عادل. (یعنی چون خبر عادل شرعاً حجت است، خداوند متعال تبیین را در قبال این خبر از ما برداشته است).

SCO۲: ۲۳:۵۱

۱. مفعول لأجله «تبیینوا» بوده و در واقع مضاف الیه یک لفظ مقدّر، مثل «مخافة» یا «کراهة» یا «خشية» یا از این قبیل، است؛ چون اگر لفظی مثل

آنچه گفته شد را در تقدیر نگیریم، معنی این می‌شود: «تحقیق کنید برای آنکه آسیب برسانید» و روشن است که مقصود این نیست.

۲. حال از فاعل «أن تصیبوا».

۳. عطف به «أن تصیبوا».

۴. یعنی: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»

۵. مرجع ضمیر: جمله شرطیه.

۶. مجيء اگر با باء متعدی شود به معنای آوردن است.

۷. مرجع ضمیر: نبأ.

۸. متعلّق: التبیین.

۹. مشارالیه: عدم وجوب تبیین در قبال خبر عادل.

اشکال به دلالت آیه نبأ بر حجیت خبر واحد

گفته شد که جمله شرطیه موجود در آیه نبأ به مفهوم خود، بر حجیت خبر واحد عادل دلالت می‌کند. این استدلال از دو جهت مورد مناقشه قرار گرفته است:

اشکال اول

اشکال نخستی که بر این استدلال وارد شده از این جهت است که جمله شرطیه در آیه شریفه، از قبیل آن جمله‌های شرطیه‌ای است که شرط آن مسوق لتحقيق الموضوع است. توضیح مطلب اینکه ما در بحث‌های پیشین گفته‌ایم: اگر شرط جمله شرطیه، مسوق لتحقيق الموضوع بود؛ یعنی شرط برای ایجاد موضوع بیان شده باشد و خودش ایجادکننده و محقق موضوع باشد، در این صورت برای چنین جمله‌ای مفهوم ثابت نیست؛ چون انتفاء شرط، به معنای انتفاء موضوع بوده و در نتیجه حکم به هنگام انتفاء شرط، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود و روشن است که با نبود موضوع، سخن از مفهوم نیز به میان نخواهد آمد. مثالی هم که در موضع خودش بیان داشتیم این بود که *إن رزقت ولداً فأختنه* که گفتیم مفهوم ندارد چون اگر کسی پسری نداشت، طبیعتاً وجوب ختنه او سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود. جمله شرطیه موجود در آیه شریفه هم این گونه است؛ یعنی شرط در این آیه شریفه، مسوق لتحقيق الموضوع یعنی نبأ می‌باشد.

با این بیان که شرط، خبر آوردن فاسق است و موضوع هم عبارت است از خبر که خبر آوردن فاسق، موجد و محقق آن است؛ یعنی اگر شرط، منتفی شد و فاسق خبر نیاورد، موضوع که همان خبر است، منتفی می‌شود و دیگر نبأی نخواهد بود تا وجوب تبیین در قبال آن موضوع داشته باشد؛ بنابراین وجوب تبیین به هنگام انتفاء شرط، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود و موضوع خود را هم از دست خواهد داد. از همین رو جمله شرطیه نمی‌تواند بر مفهوم دلالت کند؛ چون از قبیل جمله‌هایی است که شرط آن، محقق و موجد موضوع محسوب می‌شود.

تطبيق

و قد نوقش فی الاستدلال المذكور بوجهین:

در این استدلال از دو راه مناقشه شده است:

الأول: أن مجيء الفاسق بالنبأ شرط محقق للموضوع؛ لأنه 'هو الذي يحقق النبأ،

وجه اول: خبر آوردن فاسق، شرط تحقق بخش و ایجادکننده موضوع یعنی خبر است (باید فاسق خبر بیاورد تا خبر محقق شود) چون خبر آوردن فاسق است که خبر را ایجاد می‌کند.

و ليس للجملة الشرطية مفهوم إذا كان الشرط مسوقاً لتحقيق الموضوع، كما تقدّم في بحث مفهوم الشرط.

برای جمله شرطیه مفهومی نیست؛ زمانی که شرط برای وجود و تحقق موضوع بیان شده باشد؛ چنانچه این بحث، در بحث مفهوم شرط گذشت.

SC03: ۲۹:۱۰

پاسخ صاحب کفایه به اشکال اول

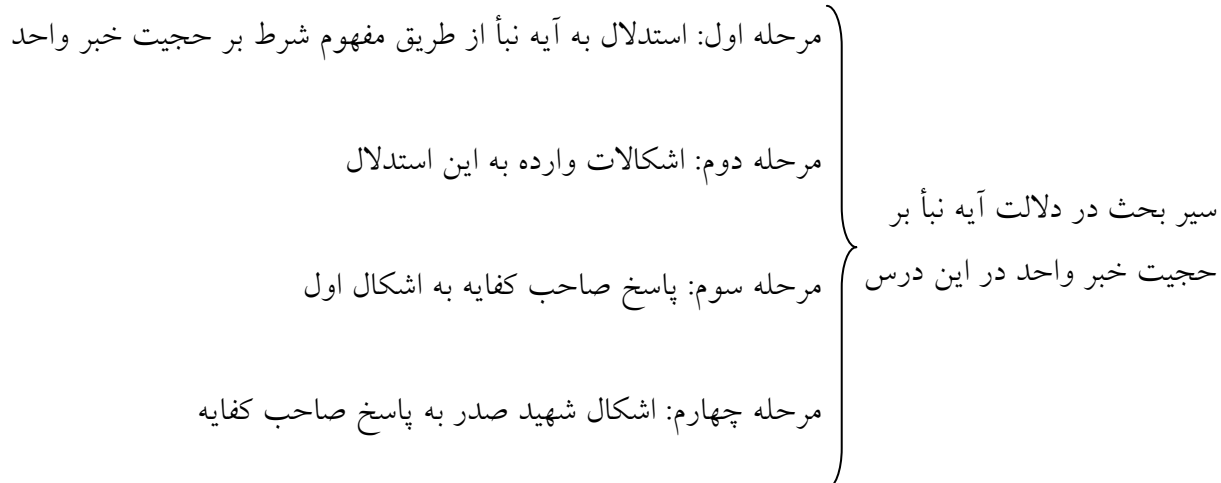
گفته شد که جمله شرطیه موجود در آیه نبأ به مفهوم خود، بر حجیت خبر واحد عادل دلالت می‌کند؛ اما به این استدلال اشکال شده بود که این جمله شرطیه مفهوم ندارد. به این اشکال، صاحب کفایه پاسخ داده است. ایشان تلاش فرموده‌اند که با تغییر شرط و موضوع در این جمله شرطیه، آن را از جمله‌ای که مسوق لتحقيق الموضوع است، خارج کند.

ایشان می‌فرمایند که ما می‌توانیم در این آیه شریفه به جای آن‌که نبأ را موضوع قلمداد کنیم، مخبر را موضوع بدانیم؛ به تعبیر دیگر، آورنده خبر را موضوع قرار دهیم و همچنین به جای آن‌که شرط را خبر آوردن فاسق بدانیم، می‌توانیم فسق مخبر را شرط در نظر بگیریم. اگر این دو تغییر را در موضوع و شرط اعمال کنیم، دیگر این جمله، مسوق لتحقيق الموضوع نخواهد بود؛ چون معنای آیه شریفه این‌گونه می‌شود که: إذا كان الجائي بالنبأ فاسقاً فتبينوا؛ یعنی زمانی که آورنده خبر فاسق بود، پس، از آوردنده خبر تحقیق کنید و دیگر نمی‌گوییم از خبر تحقیق کنید. اینجاست که وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم که این جمله شرطیه، هیچ مانعی برای دلالت بر مفهوم ندارد؛ چون طبق این نظر که شرط، عبارت از فسق مخبر و موضوع آن، خود مخبر است، فسق مخبر، محقق موضوع (مخبر) نیست تا گفته شود که این جمله، مسوق برای تحقیق موضوع است؛ در نتیجه مفهوم ندارد، بلکه با بیانی که گذشت جمله شرطیه دلالت بر مفهوم خواهد نمود.

اشکال شهید صدر بر صاحب کفایه

پاسخ مرحوم صاحب کفایه نمی‌تواند فی نفسه پاسخ اشکال شود؛ مگر اینکه بتوانیم از طریقی از آیه شریفه چنین استظهار کنیم که موضوع در این آیه، نبأ نیست، بلکه موضوع آن، جایی به نبأ و مخبر خبر است و شرط هم مجئ به خبر نیست، بلکه فسق آورنده خبر است.

FG



تطبيق

و حاول صاحب الكفاية^۱ أن يدفع هذه المناقشة بدعوى: أنها^۲ إنما تتم على الافتراض المتقدم في تعيين الموضوع والشرط،

صاحب كفايه تلاش نموده است که این مناقشه را دفع کند؛ با این ادعا که این مناقشه طبق آن فرض متقدمی که در تعیین موضوع و شرط داشتیم تمام است.

و أمّا إذا قيل بأنّ الموضوع هو «الجائي بالنبأ» و الشرط هو «الفسق» كانت^۳ الآية في قوّة قولنا: «إذا كان الجائي بالنبأ فاسقاً فتبينوا».

و اما اگر این گونه گفته شود که موضوع، آورنده نبأ، و شرط هم فسق مخبر است، در این صورت آیه شریفه از حیث معنی در قوّة این گفتار ما می شود که بگوییم زمانی که آورنده خبر فاسق بود، پس تحقیق و تبیین کنید. و من الواضح حينئذ أنّ الشرط هنا ليس محققاً للموضوع، فيتمّ المفهوم.

و روشن است که در این صورت همانا شرط (که فسق مخبر باشد)، محقق و تحقق بخش موضوع (یعنی آورنده خبر) نیست (چون معقول نیست که فسق مخبر، محقق مخبر باشد) در نتیجه مفهوم تمام می شود (و آیه شریفه می تواند دلالت بر مفهوم کند).

و لكنّ مجرد إمكان هذه الفرضيّة لا يكفي لتصحيح الاستدلال ما لم يثبت كونها^۴ هي المستظاهرة عرفاً من الآية الكريمة. منتهی صرف امکان این فرضیه (که موضوع را مخبر، و شرط را فسق مخبر بدانیم) برای (دفع این مناقشه و) تصحیح استدلال به آیه نبأ (بر حجیت خبر واحد) کفایت نمی کند؛ مادامی که ثابت نشود ظاهر عرفی آیه شریفه، همین فرضیه است.

SCO۴: ۳۸:۱۸

۱. کفاية الاصول، ص ۳۴۰.

۲. مرجع ضمير: المناقشة.

۳. جواب «إذا».

۴. مرجع ضمير: الفرضيّة.

چکیده

۱. وسائل و ابزاری که به وسیله آن صدور یک دلیل از شارع مقدس اثبات می‌شود، این وسائل مثبت صدور، گاهی مفید ظن است؛ ظنی که برای جواز عمل به آن به تعبد شرعی محتاجیم. به این گونه از ابزاری که مفید ظن معتبر به صدور یک دلیل از شارع مقدس است، وسائل اثبات تعبدی که در واقع همان امارات صدوری است، گفته شده است.
۲. مهمترین مصداق وسائل اثبات تعبدی، خبر واحد ثقة می‌باشد. خبر واحد، خبری است که پایین‌تر از خبر متواتر است. هر خبری که به حد تواتر نرسد، در دایره اخبار آحاد می‌گنجد؛ حتی اگر خبر مستفیض تلقی شود.
۳. در بحث از خبر واحد، سه مرحله در پیش گرفته شد که مرحله اول آن متعرض شدن ادله‌ای بود که از کتاب و سنت برای اثبات حکم شارع، به حجیت خبر واحد ادعا شده است.
۴. دلیل اول بر حجیت خبر واحد ثقة، آیه نبأ بود که به واسطه مفهوم شرط، بر مدعای مذکور دلالت می‌کرد؛ با این بیان که وجوب تبیین، مشروط به مجیء فاسق است و مفهوم آن، این است که وجوب تبیین، در غیر مجیء فاسق، (مجیء عادل) ثابت نیست.
۵. به این استدلال، دو اشکال وارد شد که اشکال اول، به دلالت جمله شرطیه موجود در آیه بر مفهوم بود و می‌گفت این جمله شرطیه مفهوم ندارد؛ چون مسوق برای تحقیق موضوع است.
۵. صاحب کفایه به این اشکال پاسخ دادند به این که موضوع و شرط در این آیه غیر از چیزی است که مستشکل گفته است؛ چون، موضوع آورنده نبأ، و شرط هم فسق مخبر است و روشن است که در این صورت، دیگر شرط محقق و تحقق‌بخش موضوع نیست؛ در نتیجه مفهوم تمام می‌شود و آیه شریفه مسوق لتحقیق الموضوع نبوده و می‌تواند دلالت بر مفهوم کند.
۶. به نظر شهید صدر این جواب زمانی تمام است که بتوان آن را عرفاً از ظاهر آیه برداشت نمود.